روزنه

واکنش ضرغامی به سخنان روحانی

● **فارس:** عزت‌الله ضرغامی، رئیس سابق صداوسیما .بعدازظهر دیروز در مراسم بزرگداشت روز دانشجو که در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد، گفت: «جنبش دانشجویی با همه وجود مخالف سیاست‌های آمریکاست، می‌گویند (اشاره به سخنان امروز حسن روحانی در دانشگاه صنعتی شریف) در این سال‌ها کسی جرئت نمی‌کرد کلمه جنبش دانشجویی را به زبان آورد. ولی بیشترین کلمه‌ای که به گوش ما در این سال‌ها خورد، کلمه جنبش دانشجویی بود که دائما تکرار شد و چیزی نبوده است که امسال به برکت برخی اتفاقات کسی جرئت کند آن را به زبان آورد. بنابراین وقتی می‌خواهیم در محیط‌های دانشجویی صحبت کنیم بهتر است حداقل یک آمار بگیریم».

ادامه از صفحه ۷

روحانی: فضای امن می‌خواهیم نه امنیتی

رئیس شورای‌عالی امنیت ملی ادامه داد: «بنده یک بار این امر را اعلام کرده‌ام کاری که این دولت در طول دو سال در بنیه دفاعی، در سلاح‌های راهبردی، انجام داده به اندازه ۱۰ سال گذشته بوده است». در واکنش به این اظهارات روحانی، عده‌ای از دانشجویان، این سخنان را با شعارهایشان، نادرست قلمداد کردند. روحانی افزود: «بنابراین معنایش این نیست که ما مذاکره می‌کنیم؛ بنیه دفاعی کشور را قوی نکنیم یا هیچ‌وقت نباید به فکر جنگ باشیم؛ ما همیشه باید آماده باشیم. جنگ زمانی روی نمی‌دهد که ما آمادگی کامل و صددرصد داشته باشیم ولی اگر آماده نباشیم، جنگ به ما تحمیل می‌شود. ما باید توانمند و قدرتمند باشیم؛ هم‌زمان با پیروزی در مذاکرات برجام ما مهم‌ترین موشکمان را آزمایش کردیم». در بین سخنان روحانی، برخی از دانشجویان دو طیف، مشغول سردادن شعارهایشان شدند. یک طیف «پیام روشن»شان را به وسیله شعار به «روحانی» یادآوری می‌کردند. آنها همچنین بازهم شعار «اصلاحات زنده باد؛ ... . پاینده باد» را تکرار کردند. طیف مقابل آنها، شعار «مرگ بر فتنه‌گر» را می‌گفتند. پس از آن یکی از دانشجویان، برگه‌ای را که روی آن «رفع حصر» نوشته شده بود، بالا برد که با واکنش مخالفانش روبه‌رو شد. دانشجویی که این برگه را بالا برده بود، در گفت‌وگو با انتظامات سالن، گوشه‌ای از سالن را که برخی دانشجویان کاغذهای «فتنه؛ اعدام» را بالا برده بودند، نشان داد. او اشاره می‌کرد در صورتی برگه‌اش را پایین می‌آورد که آنها هم برگه‌هایشان را پایین بیاورند که با هماهنگی انتظامات، دو طرف برگه‌هایشان را پایین آوردند ولی بعد از دقایقی باز هم کاغذ «فتنه؛ اعدام» بالا رفت. در همین حین، برخی دیگر شعارهای سال‌های قبل را سردادند که با واکنش طیف مقابلشان روبه‌رو شد. رئیس‌جمهوری در طول مراسم چندین بار با شعارهای دانشجویان درباره وعده‌های پیش از انتخاباتش روبه‌رو شد و توانست سخنان خود را ادامه دهد. ولی این بار، جدال شعاری، به حدی بالا گرفت که علاوه بر تحت تأثیر قرارگرفتن سخنرانی، صدای روحانی هم تحت تأثیر قرار گرفت. هنگامی که دانشجویان مشغول شعاردادن بودند، روحانی حین سخنرانی دچار «صداگرفتگی» شد که پس از نوشیدن آب هم همچنان ادامه داشت. روحانی وقتی می‌خواست صحبتش را ادامه دهد، خطاب به دانشجویان گفت: «شما شعار می‌دهید اما نمی‌دانم چرا صدای من می‌گیرد!».

قانون اساسی شورای نگهبان را ناظر می‌داند

رئیس‌جمهوری در ادامه به انتخابات پیش‌رو اشاره کرد و گفت: «در شرایطی که به سمت انتخابات می‌رویم، دانشگاه‌ها باید حضور فعال در انتخابات پیدا کنند که این خیلی مهم است که مجلس آینده ما چگونه باشد؟».

روحانی با بیان اینکه خیلی مهم است مجلس آینده ما چگونه باشد، گفت: «از نظر دولت این جناح، آن جناح، هر کدام اینها باشند، مهم این است افرادی باشند که به منافع ملی فکر کنند، منافع جناحی و شخصی‌شان را بر ملی ترجیح ندهند و دلسوز مردم باشند».

او ادامه داد: «کسی گفت من نسبت به شورای نگهبان نظر خاصی دارم، من نظرم نسبت به شورای نگهبان نظر قانون اساسی است، قانون اساسی شورای نگهبان را ناظر می‌داند ما هم ناظر می‌دانیم. در فضای انتخابات ان‌شاءالله با تلاش وزارت کشور، شورای نگهبان، مسئولان و همه مردم به‌ویژه دانشجویان، انتخابات بسیار پرشکوهی را پیش‌رو خواهیم داشت».

روحانی با این سخنان، مراسم را عملا، پایان‌یافته اعلام کرد. ولی دانشجویانی که در سالن بودند، همچنان در انتهای سالن مشغول شعاردادن بودند. پس از آن دانشجویان به بیرون از سالن هدایت می‌شدند و در هوای سرد تهران، در گعده‌های چندنفره مشغول تجزیه و تحلیل سخنان روحانی و اتفاقات بودند. دیروز روز آنها بود؛ روز دانشجو.

عکس: امیرحسین بندی، ایرنا

رضا خاتمی و علی مطهری میهمان شهید بهشتی

انتقاد، تشریفات نیست

لیلا ابراهیمیان: شانزدهم آذر، دانشگاه شهید بهشتی؛ عده‌ای در شور اولین برف زمستانی تهران شادمان هستند و نیروی جوانی خود را به‌رخ می‌کشند و عده‌ای دیگر در برابر تالار امام علی (ع) منتظر میهمان‌های خود هستند؛ منتظر دو سخنران مراسم «انجمن اسلامی دانشجویان آزادی‌خواه دانشگاه شهید بهشتی»: «محمدرضا خاتمی» و «علی مطهری». این‌روزها نیمه پایانی آذرماه تقویم کاری چهره‌های سیاسی شلوغ‌تر از همیشه است و فرصتی است تا اهالی سیاست از هر گروه و جناحی صدای‌شان را از تریبون‌های دانشگاه‌های کشور به گوش برسانند. برای همین بسیج دانشجویی در تالار ابوریحان، منتظر آمدن «سردار سلیمانی» است و در تالار امام علی دانشجویان اصلاح‌طلب سرود «یار دبستانی من» را هم‌نوایی می‌کنند». همه صندلی‌های سالن پر شده از همهمه همراهی دانشجویان. این فضا برای اصلاح‌طلبان رنگ‌وبوی دیگری دارد، چه آنکه آنها در طول سال‌های دولت نهم و دهم، کمتر اجازه حضور در دانشگاه را می‌یافتند. در دولت حسن روحانی اگرچه هنوز دانشگاه‌ها با دوران اصلاحات فاصله دارند، اما روزنه‌های بازشده نیز فرصت مغتنمی است که اصلاح‌طلبان بنای ازدست‌دادنش را ندارند؛ اما امروز برای دانشجویان شهید بهشتی روز دیگری است؛ بارها و بارها سرود یار دبستانی من تکرار می‌شود. سرودی، سروده منصور تهرانی، که برای فیلم «از فریاد تا ترور» ساخته شده بود و در جریان جنبش دانشجویی ایران، پس از انقلاب، اصلی‌ترین سرود دانشجویان و نمادی از اتحاد و همبستگی آنها شد.

درابتدای مراسم

مراسم با یک ساعت تأخیر شروع می‌شود؛ و مجری به‌تاکید، از این تأخیر عذرخواهی می‌کند. دانشجویان عضو انجمن اسلامی، در سالن در رفت‌وآمد هستند با دو شال سفید و آبی آسمانی که روی یکی از آنها «امید بذر هویت ماست» نقش بسته و بر دیگری نوشته شده «شب سرودش را خواند؛ نوبت پنجره‌هاست». آنها شاید جشن اولین موفقیت خود را بعد از تأسیس با هماهنگی زیاد به نظاره نشسته‌اند و می‌خواهند نظم و هماهنگی بر سالن حاکم باشد. آنها دلیل تأخیر در اجرای برنامه خود را «ناهماهنگی‌های درون‌دانشگاهی» می‌دانند و اینکه کلیپ افتتاحیه مراسم را باید برای نظارت و بازبینی، به مسئولان فرهنگی دانشگاه تحویل می‌دادند؛ کلیپی از بخش‌های تاریخ معاصر که در انتهای مراسم به دستشان رسید برای پخش؛ اگرچه بخش‌هایی از آن حذف شده بود. بعد از قرائت قرآن و خواندن سرود ملی، زهره اکرمی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان آزادی‌خواه، بیانیه انجمن را می‌خواند: «ملت سامان نیابد مگر با اصلاح زمامداران و زمامداران اصلاح نگردند مگر با استقامت مردم. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶)». او از شصت‌ودومین سالگرد روز دانشجو یاد می‌کند که در برابر استبداد و استعمار استقامت ورزیده بودند: «ما گرد هم آمدیم آیینی را برپا داریم برای یادآوری آن که بگوییم در گذشته، چه وظایفی داشتیم و امروز چه وظیفه‌ای برعهده داریم. بیش از دو سال از روی‌کارآمدن دولت تدبیروامید می‌گذرد و صادقانه باید بگوییم که اتفاقات نیکی مانند حل‌وفصل مناقشات هسته‌ای را شاهد بودیم و دانشگاه‌ها نیز از این دست وقایع نیک اگرچه کم‌نصیب بوده‌اند اما بی‌نصیب نماندند. درست است که هنوز مشکلات صنفی، رفاهی، خوابگاهی، آموزشی و نگاه جنسیتی، برخوردهای جزمی، فضای امنیتی و میل به مهاجرت، به قوت خود باقی است، اما باید پذیرفت که با تلاش‌های دکتر توفیقی و دکتر فرجی‌دانا و با فعالیت شبانه‌روزی دانشجویان فعال، شرایطی فراهم شد که هم‌اکنون می‌توانیم گردهمایی‌های این‌چنینی داشته باشیم و سخن از مطالبات بزنیم و بگوییم شورای صنفی حق طبیعی دانشجویان است». سخن به اینجا که می‌رسد دانشجویان همراهی و همدلی خود را با بیانیه اعلام می‌کنند.

فریاد آزادی‌خواهی ادامه دارد

اولین سخنران مراسم، محمدرضا خاتمی است که در میان کف‌زدن‌های متوالی دانشجویان و شعارهای «پیام ما روشنه... »، «اصلاحات زنده باد... » و ... صحبت‌های خود را شروع می‌کند. قبل از او مجری برنامه به دست‌نوشته دکتر علی شریعتی که به مناسبت بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر ۱۳۳۲ نوشته اشاره می‌کند: «اگر اجباری که به زنده‌ماندن دارم نبود، خود را در برابر دانشگاه آتش می‌زدم، همان جایی که ۲۲ سال پیش، « آذر»مان، در آتش بیداد سوخت، او را در پیش پای«نیکسون» قربانی کردند! این سه یار دبستانی که هنوز مدرسه را ترک نگفته‌اند، هنوز از تحصیلشان فراغت نیافته‌اند، نخواستند- همچون دیگران- کوپن نانی بگیرند و از پشت میز دانشگاه، به پشت پاچال بازار بروند و سر در آخور خویش فرو برند. از آن سال، چندین دوره آمدند و کارشان را تمام کردند و رفتند، اما این سه نفر ماندند تا هر که را می‌آید، بیاموزند، هر که را می‌رود، سفارش کنند. آنها هرگز نمی‌روند، همیشه خواهند ماند، آنها « شهید»ند. این «سه قطره خون» که بر چهره دانشگاه ما، همچنان تازه و گرم است. کاشکی می‌توانستم این سه آذر اهورایی را با تن خاکسترشده‌ام بپوشانم، تا در این سموم که می‌وزد نفسرد! اما نه، باید زنده بمانم و این سه آتش را در سینه نگاه دارم». محمدرضا خاتمی هم از سه آذر اهورایی یاد می‌کند: بزرگ‌نیا، شریعت‌رضوی و قندچی. «صحنه‌ای که امروز ما در این دانشگاه و دانشگاه‌های کشور شاهد هستیم، نشان‌دهنده واقعیاتی در کشور ما است. با وجود تحولات و گذر چندین دهه از آن ایام ما هنوز دشنه تلخی که آن زمان نصیب مردم شده بود را حس می‌کنیم. ۱۶ آذر سال ۳۲ همچنان ندای آزادی و آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی و رهایی ملت و پیشرفت می‌دهد». او سپس اشاره می‌کند اما «با گذر این همه این جنبش مصادره نشده و مختص دانشجویان است که فریاد آزادی‌خواهی می‌دهند و هنوز ملت و دانشجویان به‌دنبال همان شعار آزادی، کرامت انسان و حرمت انسان و پیشرفت هستند».

جنبش دانشجویی زنده است

«جنبش دانشجویی تداوم دارد و مایه حیات ایران شده. دانشجویان دانشگاه‌های متعدد پیشقراول صلح و آزادی هستند. آنها هیچ وقت تسلیم شرایط حاکم بر جامعه نشده و باوجود کوتاه‌بودن عمر دانشجویی، جنبش دانشجویی ادامه داشته و دچار خلل نشده است و امروز هم همان ندای آزادی به گوش می‌رسد». این بخشی از صحبت‌های خاتمی است؛ صحبت‌هایی که بارها با صدای «زنده‌باد اصلاحات...» قطع می‌شود و او ادامه می‌دهد: «چون دانشجویان و جنبش دانشجویی عافیت‌طلب نبوده، قدرت‌طلب نبوده و از بطن جامعه برآمده و با مشکلات جامعه آشنا بوده است، ادامه پیدا می‌کند». دانشجویان بار دیگر شعار می‌دهند «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» و خاتمی تأکید می‌کند: «دانشگاه با سه عنصر علم، آزادی و پیشرفت و توسعه پیوند عمیقی دارد و وقتی این سه عامل باهم جمع بشوند جامعه از عقب‌ماندگی دور می‌شود. اینها اساس پیشرفت هستند. پیشرفت بدون علم معنا ندارد و دانش بدون آزادی امان خلاقیت ندارد و افق جدید باز نمی‌شود».

ما چه می‌خواستیم؟

محمدرضا خاتمی می‌گوید ما نسل اولی و نسل دومی از انقلاب چه می‌خواستیم؟ سپس در مقایسه‌ای با آموزه‌های امام صادق (ع) تأکید می‌کند که امام صادق(ع) درس حریت و آزادی‌خواهی می‌داد و انقلاب اسلامی را برآمده از همان آموزه‌های اسلام اصیل می‌داند که به دنبال استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. او با «احسنت»گفتن دانشجویان مکثی کوتاه کرده و ادامه می‌دهد «نباید انتقادکردن به تشریفات بدل شود. باید نقد اساس کار باشد». در ادامه خاتمی، به قسمتی از نوشته‌های شهید مطهری اشاره می‌کند که به آزادی بیان تأکید داشتند. خاتمی به نقل از آیت‌الله مطهری اشاره می‌کند: «حکم فطرت در نهایت تخلف‌ناپذیر است و از نظر اسلام مفاهیم دینی همیشه مساوی آزادی است. درست برعکس آنچه در غرب جریان داشته...هر مکتبی که اعتقاد به خود ندارد جلوی آزادی اندیشه و تفکر را می‌گیرد. این‌گونه مکاتب ناچارند مردم را در محدودیت نگه دارند... در جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای اندیشه‌ها وجود ندارد. و از به اصطلاح کانالیزه‌کردن اندیشه‌ها، خبر و اثر نخواهد بود. همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصیل‌شان را عرضه کنند. آزادی ابراز عقیده یعنی اینکه فکر خودتان را، یعنی آنچه را واقعا به آن معتقد هستید، بگویید. ... از نظر اسلام تفکر آزاد است، شما هر جور می‌خواهید بیندیشید، هر جور می‌خواهید عقیده خودتان را ابراز کنید. به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد ابراز کنید، هرطورکه می‌خواهید بنویسید، بنویسید، هیچ‌کس ممانعتی نخواهد کرد».

التزام به قانون اساسی

خاتمی در ادامه از فصل سوم قانون اساسی می‌گوید: «این فصل از مترقی‌ترین قانون‌های دنیاست. باید خواست عمومی ما اجرای قانون اساسی باشد. قوام و دوام انقلاب اسلامی در اجرای قانون اساسی است؛ قانونی که دربرابر قدرت، مردم را توانمند و دارای حق و حقوق می‌داند. اگر اجرای قانون اساسی درخواست جریان اصلاحات است به خاطر آن است که آنچه باعث قوام انقلاب می‌شود، اجرای کامل آن است که مردم را دارای حق و حقوق می‌داند». او سپس به جایگاه انصاف و اخلاق اشاره می‌کند.

حکومت‌ها نیازمند نقدند

دومین سخنران مراسم علی مطهری است که در میان شعارهای «اصولگرای واقعی، دکتر علی مطهری» پشت تریبون قرار می‌گیرد و شروع به صحبت می‌کند. او نیز چون محمدرضا خاتمی به بخشی از آرای شهید مطهری درباره آزادی اشاره می‌کند و آنها را می‌خواند. سپس می‌گوید: «همان‌طور که واقعه کربلا نوری در ظلمت و جرقه‌ای در تاریکی بود و توده مردم به محتوا توجهی نداشتند، شهادت سه دانشجو در دانشکده فنی نیز چنین نوری را در آن زمان روشن کرد. اهمیت جنبش دانشجویی از جایی روشن می‌شود که دانشجو و دانشگاه همیشه به‌موقع، آژیر خطر را کشیده‌اند و این سؤال همیشه مطرح بوده که آیا نیاز است که جنبش دانشجویی ادامه پیدا کند یا خیر که پاسخ مثبت است؛ چراکه حکومت‌ها همیشه نیازمند نقد هستند».

قوت و ضعف جنبش دانشجویی

مطهری با اشاره به نقاط قوت دانشجویان یادآور شد: «نقاط قوت شما این است که بار زندگی را هنوز بر دوش ندارید و به دلیل سن جوانی، روح حق‌طلبی و عدالت‌خواهی هنوز در شما باقی است و همچنین از استعداد خوبی برخوردار هستید. اما دانشجویان نقاط ضعفی هم دارند، ازجمله این‌که در دوران جوانی بعضا نمی‌توانند بر احساسات خود غلبه کنند و دوره جوانی را دوره خشم و شهوت نامیده‌اند و گاهی ممکن است ابزار دست گروه‌های سیاسی واقع شوند و در بعضی مسائل نیز دارای علم ناقص هستند». مطهری در ادامه گفت: «دانشجو نه عوام است و نه صاحب‌نظر و در جایگاهی میان این دو وجود دارد و ممکن است دچار جهل مرکب شود. البته می‌تواند نقش مصلح اجتماعی را ایفا کند که به دلیل روح پاک مجاهدی اوست». او با بیان این‌که «دانشجو رصدکننده اوضاع اجتماعی است» ابراز کرد: «هیچ تضمینی نیست که انقلاب ما از مسیر خود خارج نشود، البته وجود ولی فقیه بسیار کمک‌کننده است؛ اما ولی فقیه وظیفه ما را کم نمی‌کند و هرکس وقتی ظلمی دید، باید امر به معروف و نهی از منکر کند».

آسیب‌های انقلاب

مطهری در بخش دیگر صحبت خود، تأکید می‌کند: «درحال‌حاضر سه آسیب به انقلاب وارد شده و سه برداشت غلط به وجود آمده است. اولین برداشت اشتباه این است که برخی اصل ولایت فقیه را محصورکننده آزادی بیان می‌دانند، درحالی‌که باید بگوییم مشکل در برخی ولایت‌مداران است و نه ولایت فقیه؛ چرا که ولی فقیه چنین اعتقاداتی ندارد و این اطرافیان هستند که می‌خواهند محدودیت ایجاد کنند و آنها کار را خراب می‌کنند و باید بگوییم ایده مقام معظم رهبری نیز این‌گونه نیست. درحال‌حاضر هرکس نظر مخالفی بیان می‌کند، به ضدیت با نظام متهم می‌شود که این درست نیست». او درباره برداشت دوم توضیح داد: «برداشت اشتباه دوم، برداشت ما از حفظ نظام است که متأسفانه این نگاه در برخی مسئولان وجود دارد و برخی برای حفظ نظام برخی اصول را نیز زیر پا می‌گذارند و فکر می‌کنند برای حفظ نظام می‌توانند هرکاری بکنند. درحالی‌که در قانون اساسی نیز اصل آزادی افراد مطرح شده و آمده که کسی حق بازداشت فردی را ندارد مگر این‌که سریعا کیفرخواست او تهیه شده و دادگاهی برایش برگزار شود». مطهری به پیگیری‌های خود در مورد دلایل مرگ ستار بهشتی و هاله سحابی اشاره می‌کند: «برخی نمایندگان گفتند چطور چنین سؤالاتی را مطرح می‌کنی؛ چراکه حفظ نظام مهم‌تر است اما من سؤال خود را مطرح کردم». و در نهایت درباره اینکه برداشت غلط از آزادی بیان مشکل دیگری است، تأکید می‌کند: «برخی ارزش کافی برای آزادی بیان قائل نمی‌شوند. مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است و می‌تواند مانع بسیاری از تخلفات شود، در صورتی که بسیاری از خط قرمزها برداشته شود».

سال ۸۸ سه مقصر داشت

مطهری در ادامه می‌گوید: «در مورد حوادث سال ۸۸ من از ابتدا معتقد بودم که این حوادث یک مقصر ندارد و برای آن می‌توان سه ریشه را در نظر گرفت. یکی خطاهای برخی دستگاه‌ها، دیگری شیطنت‌های آقای احمدی‌نژاد و نیز عدم تمکین به قانون توسط آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی که آنها باید زودتر اعتراض خود را پایان می‌دادند. باید کارهای تمام افراد تأثیرگذار در آن شرایط در نظر گرفته شود و بعد درباره آن حوادث تصمیم‌گیری کنیم. سخنان مطهری که به پایان می‌رسد از او به عنوان شجاع‌ترین نماینده مجلس نهم یاد می‌شود. مراسم ۱۶ آذر با پخش کلیپی چند دقیقه‌ای از تاریخ معاصر ایران، از مشروطه تا خرداد ۹۲ به‌پایان می‌رسد، در میان زمزمه سرودها، دانشجویان سرازیر می‌شوند به سمت تالار ابوریحان؛ اما میهمان ویژه مراسم بسیج دانشجویی، سردار سلیمانی در مراسم حاضر نیست؛ عده‌ای ناراحت از غیبت میهمان و صدای دانشجوی عضو تشکل بسیج، که می‌خواست درباره علت این غیبت بگوید، در میان هیاهو گم می‌شود...

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **وجدان کاری داشته باشیم:** حتما در ادارات دولتی یا محل کار به‌ویژه کارهای جمعی مشاهده می‌کنید برخی افراد سیگار می‌کشند، عده‌ای غیبت می‌کنند! طیفی هم جدول حل می‌کنند، بعضی‌ها هم صادقانه کار و تلاش می‌کنند تا حقوق حلال سر سفره خانواده خود ببرند. همه اینها بستگی به وجدان کاری کارکنان هر نهاد و سازمان دارد. ای کاش در تمام مراحل زندگی وجدان کاری داشته باشیم.

عرفان از تهران

● **هنرمندان فیتیله‌پیچ!** سال‌های متمادی است که سه نفر از هنرمندان خلاق و سرشناس صداوسیما برای سرگرمی فرزندان ما و حتی بزرگسالان و خانواده‌ها، با برنامه‌های شاد، مفرح و جذاب توانستند رضایت بسیاری را جلب کنند. حالا ناخواسته و بدون هیچ منظور و سوءنیتی، به وسیله این هنرمندان، صحنه‌هایی از تلویزیون پخش شد که مورد رنجش ترک‌زبانان عزیز شد و این هنرمندان مورد بازخواست قرار گرفتند. تا به حال سریال‌های فراوانی از شبکه‌های تلویزیونی با لهجه‌های متفاوت پخش شده است، آیا باید در برابر هر سریال یا مجموعه‌ای به خیابان‌ها ریخت و تظاهرات به راه انداخت؟ باید رسانه‌های گروهی برای بالابردن سطح فرهنگ و دانش و بینش مردم را هم تلاش و فرهنگ‌سازی کنند؛ البته مسئولان صداوسیما هم نباید با مسخره‌کردن لهجه‌ها و گویش‌ها، مردم از رسانه ملی و همگانی دلسرد کنند و شبکه‌های برون‌مرزی را به شبکه‌های درون‌مرزی ترجیح دهند!

علی از تهران

● **راکبان موتورسیکلت را دریابید!** گرانی بیش‌ازحد خودرو و مشکلات اقتصادی باعث شده برخی‌ها که پول خرید خودرو ندارند، موتورسیکلت بخرند و بعضی‌ها هم با همان وسیله‌ای که دارند ارتزاق کنند. اما برخی مأموران راهنمایی و رانندگی، موتورسیکلت‌ها را متوقف و آنها را به پارکینگ منتقل می‌کنند، یا اینکه با جمع‌آوری موتوسیکلت‌ها به وسیله خودروهای حمل موتورسیکلت‌ها که در برخی مناطق حضور دارند و اصطلاحا به آنان «کفی» گفته می‌شود، موتورسیکلت را به پارکینگ انتقال می‌دهند و هزینه‌ای هم برای جابه‌جایی از راکبان دریافت می‌کنند و راکب برای ترخیص موتورسیکلت باید مراحل قانونی را طی کند که اتلاف وقت و هزینه‌های سنگین و اضافی برای رانندگان موتورسیکلت به همراه دارد. آیا آنها باید تاوان نداری و واماندگی‌هایشان را بدهند؟

عرفان از تهران

LEON Café

کافه لئون
نارون

کیترینگ و سفارشات بیرون بر
CATERING & DELIVERY

نیاوران- مرکز خرید نارون- طبقه همکف
۲۶۱۰۳۸۱۱

www.leon1960.com
/LEONSINCE1960

higroupplus.com/rakhshani